

توسعه و شاخص توسعه انسانی در ج.ا.ایران و عربستان سعودی

رضا شیرزادی^۱، محمد پورقربان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

چکیده:

نظریه توسعه انسانی یکی از نظریه‌های جدید توسعه است که از دهه ۱۹۹۰ به بعد مورد توجه قرار گرفته است. در این نظریه، برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق، هدف نهایی توسعه است و توسعه انسانی با نقش مؤثر دولت تحقق می‌یابد. امروزه یکی از شاخص‌های سنجش سطح توسعه کشورها، گزارش‌های ملی و بین‌المللی توسعه انسانی است. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، دو کشور عمده در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به شمار می‌روند. هدف این پژوهش، بررسی وضعیت دو کشور از نظر شاخص توسعه انسانی و نیز چرایی آن است. از این رو، درصددیم تا جایگاه توسعه انسانی ایران و عربستان سعودی را به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار دهیم. در گزارش سال ۲۰۲۰ این سازمان، ایران با کسب امتیاز ۷۸۳، رتبه ۷۰ را کسب کرده، و عربستان سعودی با کسب امتیاز ۸۵۴، رتبه ۴۰ را به خود اختصاص داده است. با توجه به رتبه‌بندی این دو کشور، این سؤال مطرح می‌شود که چه عواملی بیشترین تأثیر را بر توسعه انسانی این دو کشور داشته است؟ در این میان، عوامل جمعیت، درآمد ملی سرانه، بهداشت و امید به زندگی، وجه تمایز و عوامل تأثیرگذار بر شاخص توسعه انسانی دو کشور را تشکیل می‌دهند.

واژگان اصلی: توسعه، توسعه انسانی، جمعیت، درآمد ملی سرانه، بهداشت، ایران، عربستان سعودی.

۱. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

مسئله توسعه و توسعه‌نیافتگی همواره ذهن محققان و سیاست‌گذاران را به خود مشغول کرده، و روندی است همه‌جانبه و فراگیر در جهت بهبود شرایط زندگی و افزایش توانایی‌های انسان برای پاسخگویی به نیازهای مادی و اجتماعی. تا مدت‌ها راه ارزیابی توسعه‌یافتگی کشورهای مختلف جهان، رجوع به شاخص‌های درآمد سرانه بود، اما با انتقادات وارده به این شاخص‌ها، تدریجاً راه برای طرح نظریه توسعه انسانی باز شد.

توسعه انسانی یکی از نظریه‌های جدید توسعه به شمار می‌رود که از دهه ۱۹۹۰ به بعد مطرح شده و مقبولیت یافته است. از دید توسعه انسانی؛ برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق، هدف نهایی توسعه است. امروزه یکی از شاخص‌های سنجش سطح توسعه کشورهای مختلف، گزارش‌های ملی و بین‌المللی توسعه انسانی است. شاخص توسعه انسانی که شاخص ترکیبی است، توسط نهاد برنامه توسعه ملل متحد از سال ۱۹۹۰ جهت بررسی وضعیت کشورهای مختلف از حیث توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفته است و هر ساله طی یک گزارش بین‌المللی، وضعیت توسعه انسانی کشورها بررسی شده، و بر حسب جایگاه و میانگین امتیازات در چهار گروه توسعه انسانی بسیار بالا، توسعه انسانی بالا، توسعه انسانی متوسط، و توسعه انسانی پایین دسته‌بندی می‌شوند.

نظریه توسعه انسانی می‌کوشد زمینه‌ای برای برطرف ساختن نیازهای اساسی (غذا، پوشاک و ...) و نیل به زندگی شرافتمندانه از طریق تأمین آموزش، بهداشت، تغذیه و بارور ساختن و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسان ایجاد کند و تلاش می‌کند کیفیت زندگی فردی و اجتماعی را بهبود بخشد و به وی امکان استفاده بهتر و بیشتر از زندگی را بدهد. شاخص توسعه انسانی به دنبال اندازه‌گیری ترکیبی سه ظرفیت اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی برای زندگی بهتر (تغذیه، درآمد)، و برخورداری از عمر طولانی توأم با سلامتی است. از این رو، توجه به توسعه انسان، برای انسان و به وسیله انسان است و تأکید بر این دارد که هدف واقعی برنامه‌های توسعه در نهایت باید ایجاد شرایطی برای زندگی سالم، خلاقانه و شاد برای انسان‌ها باشد. در واقع گزارش شاخص‌های توسعه انسانی، این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه شاخص‌های رشد اقتصادی در نهایت موفق می‌شوند که رشد و درآمد را به زبان رفاه بشر ترجمه کنند. در نهایت چنین شاخص‌هایی برای توسعه انسانی قابل تعریف هستند و رتبه‌ها بر اساس این داده‌ها تنظیم می‌شوند:

شاخص فقر درآمدی و انسانی؛ روندهای جمعیتی؛ تعهد به سلامت؛ آب و فاضلاب و وضعیت تغذیه؛ نابرابری در سلامت کودکان؛ بحران‌ها و مخاطرات مربوط به سلامت؛ حداقل حیات؛ تعهد به آموزش؛ مخارج عمومی؛ سواد و ثبت نام در مدارس؛ تولید و تکثیر تکنولوژی؛ کارایی اقتصادی؛ نابرابری در درآمد و مخارج؛ ساختار مبادلات بین‌المللی؛ جریان کمک‌های بین‌المللی؛ انرژی و محیط زیست؛ انتشار دی‌اکسید کربن؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی در مورد محیط زیست؛ مهاجرت؛ جرم و جنایت و نظام قضایی؛ نابرابری‌های جنسیتی در آموزش؛ نابرابری جنسیتی در فعالیت‌های اقتصادی؛ جنسیت، کار و تخصیص زمانی؛ مشارکت سیاسی زنان؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق کارگران.

بحث و بررسی مقاله حاضر، توسعه انسانی در دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است و در نظر داریم جایگاه این دو کشور را از نظر شاخص‌های آن تحلیل کنیم. وضعیت دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان مطالعه مقایسه‌ای این پژوهش، در دستور کار برای بررسی است. این دو کشور در منطقه خاورمیانه واقع شده، و در زمره قدرت‌های اصلی منطقه‌ای به شمار می‌روند. هدف ما در این مطالعه، بررسی وضعیت این دو کشور از نظر شاخص توسعه انسانی و نیز چرایی آن است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که رتبه جمهوری اسلامی ایران در شاخص‌های توسعه انسانی در سال ۲۰۲۰، ۷۰ با کسب امتیاز ۷۸۳، و رتبه کشور عربستان سعودی ۴۰ با کسب امتیاز ۸۵۴ است. با توجه به رتبه‌بندی این دو کشور، این سوال مطرح می‌شود که چه عواملی بیشترین تأثیر را بر توسعه انسانی این دو کشور داشته است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد عوامل جمعیت، درآمد ملی سرانه، بهداشت و امید به زندگی، وجه تمایز و عوامل تأثیرگذار بر شاخص توسعه انسانی دو کشور را تشکیل می‌دهند.

به دست آمدن توسعه در یک کشور مستلزم شناخت و بررسی جنبه‌های نظری و تجربه‌های مختلف توسعه به ویژه نمونه‌های موفق است. این مسئله برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بسیار ضروری‌تر می‌باشد. وضعیت دو کشور ایران و عربستان سعودی به عنوان کشورهای برتر در منطقه خاورمیانه، و نیز این که هر دو کشور در دهه‌های گذشته، فاصله چندانی نداشته‌اند، در خور توجه و تحلیل خواهد بود و می‌تواند دارای اهمیت و درس‌های لازم باشد.

۲- تعریف عملیاتی مفاهیم

عمده‌ترین مفاهیم عملیاتی در این پژوهش به قرار زیر هستند:

الف- نظریه توسعه انسانی

نظریه توسعه انسانی یکی از نظریه‌های متأخر توسعه به شمار می‌آید که بر خلاف معیارهای گذشته که شاخص‌هایی از فرآیندها و ابزار توسعه را معیار ارزیابی وضعیت توسعه جوامع بشری قرار می‌داده‌اند، اهداف این شاخص فراتر رفتن از درآمد و امور مادی برای ارزیابی رضایت از زندگی در طولانی مدت برای افراد جوامع مختلف می‌رود و توجه به توسعه انسان، برای انسان و به وسیله انسان دارد و تاکید بر این می‌کند که هدف واقعی برنامه‌های توسعه در نهایت باید ایجاد شرایطی برای زندگی سالم، خلاقانه و شاد برای انسان‌ها باشد. در واقع گزارش شاخص‌های توسعه انسانی، این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه شاخص‌های رشد اقتصادی در نهایت موفق می‌شوند که رشد و درآمد را به زبان رفاه بشر ترجمه کنند. بنیانگذار این شاخص، اقتصاددان پاکستانی به نام محبوب‌الحق بوده است و با استفاده از مفاهیم و روش‌های تعریف شده توسط آمارتیا سن، استاد هندی اقتصاد توسعه و برنده جایزه نوبل در اقتصاد (۱۹۹۸)، و با بودجه سازمان ملل متحد اجرا می‌شود (سن: ۱۳۹۴).

شاخص‌هایی که برای توسعه انسانی قابل تعریف هستند و رتبه‌ها بر اساس این داده‌ها تنظیم می‌شوند، عبارتند از: شاخص فقر درآمدی و انسانی؛ روندهای جمعیتی؛ تعهد به سلامت؛ آب و فاضلاب و وضعیت تغذیه؛ نابرابری در سلامت کودکان؛ بحران‌ها و مخاطرات مربوط به سلامت؛ حداقل حیات؛ تعهد به آموزش؛ مخارج عمومی؛ سواد و ثبت نام در مدارس؛ پخش و تولید تکنولوژی؛ کارایی اقتصادی؛ نابرابری در درآمد و مخارج؛ ساختار مبادلات بین‌المللی؛ جریان کمک‌های بین‌المللی؛ انرژی و محیط زیست؛ انتشار دی‌اکسید کربن؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی در مورد محیط زیست؛ مهاجرت؛ جرم و جنایت و نظام قضایی؛ نابرابری‌های جنسیتی در آموزش؛ نابرابری جنسیتی در فعالیت‌های اقتصادی؛ جنسیت، کار و تخصیص زمانی؛ مشارکت سیاسی زنان؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق کارگران.

ب- امید به زندگی

شاخص امید به زندگی یا متوسط طول عمر، نشان می‌دهد اعضای یک جامعه به طور میانگین چقدر

عمر می‌کنند، یا به عبارت دیگر، انتظار می‌رود چقدر عمر کنند. هرچه سطح بهداشت و درمان در جامعه‌ای افزایش یابد، متوسط طول عمر افزایش خواهد یافت. از این رو، این شاخص یکی از شاخص‌های سنجش پیشرفت و یا عقب‌ماندگی کشورهاست. حداقل و حداکثر محدوده امید به زندگی به ترتیب برابر ۲۵ و ۸۵ سال است. از آنجایی که در محاسبه این شاخص، تنها معیار امید به زندگی لحاظ می‌شود، بنابراین ارزش آن برابر است با مقدار شاخص امید به زندگی. متوسط طول عمر زنان در همه جوامع چند سال (در کل جهان چهار و نیم سال) بیشتر از مردان است. مطابق آمار سازمان ملل کشورهای ژاپن، هنگ کنگ، ایسلند، سوئیس و استرالیا به ترتیب در رده‌های اول تا پنجم هستند که با حدود ۸۲ سال از میانگین جهانی ۲۲ درصد بالاتر است. کشورهای سوازیلند، موزامبیک، زیمبابوه، سیرالئون و لسوتو نیز به ترتیب در پایین‌ترین رده قرار دارند. متوسط طول عمر در این کشورها حدود ۴۲ سال است که ۳۸ درصد کمتر از میانگین جهانی و نصف کشورهای بالای جدول است. بنا به آمار سال ۱۳۹۰، متوسط طول عمر در ایران، در زنان، ۷۴،۶ و در مردان، ۷۲،۱ سال است که نسبت به متوسط جهانی، بالاتر بوده، و نسبت به آمار سال ۱۳۸۵، بیش از ۱ سال افزایش را نشان می‌دهد.

ج- درآمد ملی سرانه

برای محاسبه درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی کشور را بر جمعیت تقسیم کرده، عدد به دست آمده درآمد سرانه کشور است. برای محاسبه تولید ناخالص داخلی دو روش وجود دارد: یکی استفاده از ارزش اسمی نرخ ارز است. یعنی تولیدات ده سال کشور در بازار جهانی چه میزان ارزش داشته‌اند؟ روش دیگر، استفاده از روش نابرابری قدرت خرید است. معنی نابرابری خرید این است که چه مقدار پول در کشور یکس قدرت خریدی به اندازه همان مقدار در دیگر کشورها دارد. سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و کتاب واقعیت‌های جهان سیا، هر دو آمار را با هم ارائه می‌دهند.

د- جمعیت

به مجموعه افرادی از یک گونه که در یک مکان و زمان زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود. به تعداد این افراد، اندازه جمعیت می‌گویند. جمعیت‌های مختلف می‌توانند با یکدیگر روابط زیستی برقرار کنند. علاوه بر این، جمعیت و محیط نیز با یکدیگر ارتباط دارند به طوری که قدرت محیط در تأمین منابع غذایی بر اندازه جمعیت‌ها تأثیر دارد. معمولاً در یک جمعیت، خزانه ژنی یکسان است. اندازه جمعیت تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌تواند تغییر کند. اگر تعداد افرادی که متولد می‌شوند، بیشتر از افرادی که می‌میرند، باشد، جمعیت افزایش، و اگر تعداد افرادی که می‌میرند، بیشتر باشد، جمعیت کاهش می‌یابد.

ه- آموزش

توسعه پدیده‌های چندبعدی است و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، بهداشتی، کالبدی و ... را شامل می‌شود. برای شناخت بهتر و دقیق‌تر امکانات و تنگناهای موجود در هر بخش، لازم است هر یک از ابعاد توسعه به صورت تفصیلی مورد ارزیابی قرار گیرد تا تصویر روشن‌تری از وضعیت توسعه‌یافتگی در هر کدام از بخش‌ها حاصل شود. یکی از ابعاد مهم و اساسی توسعه، خدمات آموزشی و فرهنگی است. بی‌تردید آموزش (سواد) یکی از پدیده‌های کیفی جمعیت است که رابطه‌ی نزدیکی با پیشرفت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه دارد (بیک‌محمدی، ۱۳۷۱: ۱۲).

آموزش همواره به عنوان وسیله‌ای مطمئن در جهت بهبود کیفیت عملکرد و حل مشکلات مدیریت، مدنظر قرار می‌گیرد و فقدان آن نیز یکی از مسائل اساسی و حادّ هر سازمان را تشکیل می‌دهد. بدین جهت برای تجهیز نیروی انسانی سازمان و بهسازی و بهره‌گیری هرچه مؤثرتر از این نیرو، بی‌شک آموزش یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین تدابیر و عوامل برای بهبود امور سازمان به‌شمار می‌رود. لازم به تذکر است که آموزش یک وظیفه اساسی در سازمان‌ها و یک فرآیند مداوم و همیشگی است و موقت و تمام شدنی نمی‌باشد. کارکنان در هر سطحی از سطوح سازمانی، اعم از مشاغل ساده یا پیچیده، مدیر یا زیردست محتاج آموزش و یادگیری و کسب دانش و مهارت‌های جدید هستند و باید همواره برای انجام بهتر کار خود از هر نوعی که باشد، روش‌ها و اطلاعات جدیدی کسب نمایند و مضافاً این که هر وقت شغل کارکنان تغییر پیدا کند، لازم است اطلاعات و مهارت‌های جدیدی را برای تداوم موفقیت‌آمیز وظایف شغل مربوطه فرا بگیرد.

در مورد شاخص آموزش، دو معیار: نرخ باسوادی بزرگسالان و نرخ ناخالص ثبت نام به صورت ترکیبی از نرخ ثبت نام در آموزش ابتدایی، متوسطه و تحصیلات عالی را در بر می‌گیرد. بزرگسالان با سواد، افراد بالای ۱۵ سال را که قادر به خواندن و نوشتن بیانات کوتاه و ساده خود هستند، دربرمی‌گیرد. نسبت ثبت نام ناخالص آموزش ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی برابر است با میانگینی از نسبت‌های ثبت نام دانش آموزان در هر مقطع آموزشی مورد نظر به عنوان درصدی از جمعیت موجود در هر گروه سنی. چون سازمان ملل معتقد است که سواد اولین گام برای یادگیری و پایه‌ریزی دانش است، لذا در محاسبه شاخص آموزش به نرخ باسوادی بزرگسالان، وزن بیشتری داده شده است، یعنی در محاسبه شاخص آموزش، نرخ باسوادی بزرگسالان با نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص با ضریب دوسوم در نظر گرفته می‌شود.

۳- توسعه و تحول مفهومی و کاربردی

توسعه از دهه ۱۹۴۰، نخست در حوزه علوم اقتصادی و با تأسیس مکتب ساختاری توسعه اقتصادی در آمریکای لاتین مطرح شد که راول پریش و سلسو فورتادو (اقتصاددانان آرژانتینی و برزیلی) نقش عمده‌ای در این زمینه ایفاء کردند (Shard, Miller and Haller, 1998: 82-83). اما به مرور این رشته از مطالعات در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفت و مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی در دوره‌ی بعد از جنگ جهانی دوم تأسیس شدند. بنابراین، اولین گروهی که به مطالعه‌ی منظم مفهوم و فرآیند توسعه پرداختند، از میان اقتصاددانان برآمدند و در نهایت علم اقتصاد توسعه را ایجاد کردند. به این ترتیب، نادیده گرفتن جنبه‌های غیراقتصادی توسعه را در نظریات اولیه نباید چندان غیر منتظره تلقی کرد. اما با وجود اهمیت جنبه‌های اقتصادی توسعه، ظاهراً اکنون همگان به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و بزرگداشت ارزش‌ها و سنت‌های بومی را هم در بر می‌گیرد (قاضیان، ۱۳۷۱: ۱۰۱). بر این اساس، تعاریف متأخر توسعه دارای وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی بشر می‌باشند و توسعه را در جامعیت آن مورد بررسی قرار می‌دهند (توسلی، ۱۳۷۱: ۴۵۳-۴۳۵).

(شیرزادی، ۱۴۰۱: ۲۹).

۳-۱- فرآیند توسعه در سایه دولت فعال

تجربه کشورهای غربی در زمینه توسعه نشان می‌دهد که توسعه به کارگزاری یک نظام بازار آزاد محقق شد که در درون یک چارچوب ملی (دولت ملی) و بازارهای یکپارچه شده توسط دولت مطلقه قرن‌های شانزدهم و هفدهم، دستیابی به حداکثر سود برای شرکت‌های خصوصی و تحقق حداکثر منافع ملی برای مردمان کشور را مد نظر قرار داده بود. دولت در این جوامع، اگرچه با سیاست‌های خود، کسب سود برای بخش خصوصی را تسهیل کرده، و روند توسعه کشور را تقویت می‌کرد، اما در تحلیل نهایی، این بازار بود که نقش کارگزار توسعه را برعهده داشت. از سوی دیگر، در جوامع توسعه‌نیافته یا در حال توسعه که توانسته بودند سیر تکامل تاریخی خود را به صورت طبیعی طی کنند، لاجرم، امر توسعه به کارگزاری نیرویی انجام گرفت که سازمان‌یافته‌ترین و

مشکل‌ترین بخش از جامعه یعنی دولت محسوب می‌شود. این دولت است که با دخالت و هدایت مستقیم خود، این فرآیند را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شده، به انجام می‌رساند. به‌عبارت دیگر، دولت به‌دلیل انسجام قابل توجه و داشتن سازمان‌های تشکیلاتی متعدد، بهترین گزینه برای هدایت این جوامع در مسیر توسعه‌افتگی محسوب شده است. بنابراین، دولت، کارگزار توسعه در جوامع توسعه‌نیافته یا در حال توسعه قلمداد می‌شود. در ادبیات آکادمیک، به این دولت، دولت توسعه‌گرا (یا دولت توسعه‌خواه) گفته می‌شود. دولت توسعه‌گرا، دولتی است که از همه ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه، گروه‌ها و سازمان‌های فعال و دارای تمایل و توان به نقش‌آفرینی و نوآوری در عرصه‌های مختلف جامعه، در جهت تحقق زندگی بهتر و رفاه و امنیت بیشتر برای تمام مردم استفاده می‌کند. دولت توسعه‌گرا، دولتی است که تمام منابع موجود در جامعه را برای تحقق امر توسعه بسیج می‌کند (لفت‌ویچ، ۱۳۸۴: ۲۲۷-۲۰۵).

۳-۲- مفهوم و فرآیند توسعه انسانی

همچنان که اشاره شد، توسعه فرآیندی چند بعدی است که شامل تغییرات در رفتار افراد، ساختار اجتماعی، نگرش عمومی و نهادهای ملی است. در واقع، توسعه، سازمان‌های اقتصادی و نظام‌های سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. اهداف پذیرفته شده استراتژی یا سیاست توسعه عبارتند از: رشد، عدالت و کاهش فقر اقتصادی، مردم‌سالاری و ثبات سیاسی. توسعه ناظر به فرآیند بهبود کیفیت زندگی همه‌ی انسان‌هاست و با مکانیزم‌های اقتصادی، سیاسی و ساختاری (عمومی و خصوصی) و همچنین بهبود در سطوح زندگی فقرا، بیسوادان و افراد دچار سوء تغذیه، سر و کار دارد. توسعه‌ی موفق، هم به تعادل ماهرانه و عاقلانه‌ی نیروهای بازار نیاز دارد و هم به زیرکی و عدالتی که از مداخله‌ی دولت در بخش‌هایی که نیروهای بازار به پیامدهای نامطلوب سیاسی و اقتصادی منجر شده‌اند. توسعه انسانی رویکردی جامع است که نیازمند برطرف کردن عوامل عمده‌ی ناآزادی است که فقر و ظلم، فرصت‌های اقتصادی ضعیف از جمله محرومیت‌های اجتماعی و غفلت از ارائه‌ی تسهیلات عمومی را شامل می‌شود (محمودی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

۴- نظریه توسعه انسانی

همچنان که اشاره کردیم، نظریه توسعه انسانی یک نظریه جدید است و در زمینه توسعه انسانی، نظریه‌پردازان عمده‌ای از اقتصاد توسعه شامل کیت گرین، تری مک‌کنلی و محبوب‌الحق برای اولین

بار نظریه‌ی توسعه انسانی (Human Development) را مطرح کردند. توسعه‌ی انسانی از دیدگاه آنان گویای آن است که هدف اصلی توسعه، بهره رساندن به انسان به معنای بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم می‌باشد. افزایش درآمد و توسعه‌ی اشتغال، ضروری است اما این دو، وسیله‌ی توسعه‌اند و نه هدف آن. هدف توسعه، پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکان‌های اوست. درآمد تنها یکی از این امکان‌ها و البته یک امکان ضروری است اما زندگی انسان در مجموع چیز دیگری است. برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق در محیط زیست غنی و در جامعه‌ی مدنی دموکراتیک، هدف نهایی توسعه است. بنابراین هیچ بستگی قطعی میان رشد اقتصادی و پیشرفت انسانی وجود ندارد و رشد اقتصادی و زندگی انسانی، همراه با یکدیگر، مفهوم توسعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند (شیرزادی، ۱۴۰۱: ۱۴۱).

برخورداری عادلانه افراد از ثروت و درآمد جامعه شرط است و همچنین برخورداری از مجال‌های برابر آموزشی و امکانات بهداشتی، درمانی، کار و اشتغال. دستاوردهای توسعه انسانی همچون طول عمر، سلامت، دانش و مهارت از منابع سرمایه‌ای حاصل می‌شود که سه بخش است: منابع سرمایه طبیعی، منابع سرمایه مادی و منابع سرمایه انسانی. اقتصاد توسعه تاکنون بیش از هر چیز به افزایش سرمایه مادی توجه داشته، و سرمایه‌گذاری یا تجمع سرمایه مادی را برای مدتی دراز، موتور رشد و توسعه دانسته است. اما در فرآیند توسعه انسانی، سرمایه انسانی یعنی مجموعه‌ی دانش‌ها، مهارت‌ها، تجربه‌ها، توانایی‌ها و قدرت نوآوری انسان، نقشی کلیدی دارد (خواجه پور، ۱۳۷۶: ۵۰).

اولین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ با شعار «مردم ثروت واقعی کشورها می‌باشند»، منتشر شد که حاکی از تغییر رویکردها نسبت به امر توسعه و توجه به سرمایه انسانی بود (امیری، ۱۳۹۰: ۱۳۱). از این رو، مفهوم توسعه‌ی انسانی، انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد. توسعه‌ی انسانی مستلزم برنامه‌ها و فعالیت‌های چندبخشی و سیاست کلان اقتصادی است و هدف نهایی این است که رشد اقتصادی به بهبود رفاه مردم بینجامد. بنابراین هدف توسعه‌ی انسانی، دست یافتن انسان به چنان توانایی در خوری است که برای آن، نمودهایی متصور است، از جمله: رسیدن به عمری طولانی، برخورداری از سلامت کامل، دست یافتن به اندوخته‌ای از دانش و آگاهی، داشتن درآمد کافی برای خرید غذا، لباس و مسکن و مشارکت در تصمیم‌هایی که مستقیماً در زندگی افراد جامعه و سرنوشت آنها نقش دارند (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۵: ۱۶-۱۱).

رهایی از فقر، گرسنگی، بیماری، جنگ، نابرابری، بی‌سوادی و محرومیت از جمله راه‌های

گسترش قابلیت‌ها و انتخاب‌های انسانی در چارچوب نظریه توسعه انسانی می‌باشند و به همین دلیل در سنجش توسعه انسانی بر سه معیار آموزش، درآمد و بهداشت تأکید شده است. امید به زندگی، آموزش و درآمد واقعی همگی از عوامل اساسی افزایش دهنده قدرت انتخاب انسان‌ها می‌باشند. طول عمر بیشتر به عنوان معیار امید به زندگی، علاوه بر آن که نشان‌دهنده تغذیه مناسب‌تر و برخورداری از امکانات بهداشتی است، فرصت بیشتری را برای زندگی و انتخاب به انسان‌ها می‌دهد. آموزش نیز قدرت تصمیم‌گیری و امکان استفاده از فرصت‌های بهتر را برای مردم به ارمغان می‌آورد. در نهایت تأثیر افزایش درآمد واقعی در گسترش انتخاب‌های آزادانه‌ی افراد و بهره‌برداری از منابع مادی امری مسلم است (سینا، ۱۳۸۴: ۳۸-۳۹).

جایگاه دولت در فرآیند توسعه انسانی بسیار کلیدی است طوری که موفقیت در زمینه اهداف توسعه انسانی بدون نقش مؤثر دولت تحقق نمی‌یابد و نهادی به نام دولت باید نقش رهبری را به عهده گیرد و فرآیند توسعه را هدایت کند و در صورت لزوم، مداخله کند تا اطمینان یابد که نتایج مورد انتظار توسعه انسانی به دست آمده‌اند. این نقش به آن معنا نیست که دولت ابعاد بزرگ یا تشکیلات گسترده‌ای داشته، و عهده‌دار سهم بی‌اندازه زیادی از کل هزینه‌ها باشد. همچنین دولت نباید نسبتاً کوچک باشد و فقط بخش بسیار کوچکی از خدمات را تأمین کند و بقیه را برای بخش خصوصی بگذارد. از این رو، اندازه دولت در درجه دوم اهمیت قرار دارد و آنچه در توسعه انسانی حائز اهمیت می‌باشد، آن است که دولت چه وظیفه‌هایی را انجام می‌دهد و این وظیفه‌ها را تا چه اندازه خوب انجام می‌دهد (هینز، ۱۴۰۱: ۴۰-۳۶).

به طور خلاصه استراتژی توسعه انسانی به دولت فعال نیاز دارد که این دولت اولاً با مداخله‌ی خود، سمت و سوی تولیدات و فرآیندهای تولیدی را که متمرکز بر استفاده از سرمایه‌ی طبیعی هستند، تغییر دهد. اگر بازار را به حال خود رها کنیم، هیچ توجهی به بسیاری از فعالیت‌های پرهزینه‌ای که به محیط زیست آسیب می‌رسانند، نخواهد داشت. ثانیاً دولت در شکل‌گیری سرمایه‌ی انسانی مداخله کند. ثالثاً دولت عهده‌دار سرمایه‌گذاری‌های عام‌المنفعه از جمله تأمین هزینه برای تحقیق و توسعه، آموزش و کارآموزی، بهداشت و تغذیه، سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی همچون حمل و نقل، انرژی و ساختارهای شهری شود. در دراز مدت، استراتژی توسعه انسانی همراه با کاهش تدریجی و قطعی نقش دولت است و برخی کارکردهای دولت به تدریج به نهادهای جامعه‌ی مدنی واگذار می‌شود (شیرزادی، ۱۴۰۱: ۱۴۵). توسعه قابلیت‌های انسانی را نباید به عنوان هدفی با

یک نقطه‌ی پایانی و نهایی در نظر گرفت، بلکه باید به مثابه فرایندی مداوم و بی‌اتها در نظر گرفته شود. آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و تغذیه نقش مهمی در کمک به مردم برای توسعه قابلیت‌هایشان ایفاء می‌کنند. پیشرفت قابلیت‌های انسانی در عین حال که فی‌نفسه یک هدف است، موجب بالاتر رفتن تولید و درآمد می‌شود (گریفین و نایت، ۱۳۷۶: ۱۳۴-۱۵۵).

مقایسه رتبه و شاخص توسعه انسانی در ایران و عربستان سعودی در این بخش به بررسی مقایسه‌ای مسئله توسعه انسانی در ایران و عربستان سعودی پرداخته می‌شود. در این راستا، گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۲۰، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در ادامه، ابتدا مروری کلی بر گزارش و موضوع اصلی آن می‌شود. سپس گزارش‌های کشورهای توسعه انسانی و منطق آنها مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت شاخص توسعه انسانی، ارزش و رتبه دو کشور در آن، پیشرفت نسبی در مقایسه با دیگر کشورها، مسئله نابرابری، شاخص جنسیت، شاخص چند بعدی فقر و ویژگی‌های جمعیتی دو کشور مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۳- ارزش و رتبه شاخص توسعه انسانی در ایران

ارزش شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۹، $۰/۷۸۳$ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی بالا یعنی در رتبه ۷۰ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران از $۰/۵۶۵$ به $۰/۷۸۳$ افزایش یافته، که افزایشی $۳۸/۶$ درصدی داشته است. جدول ۱ پیشرفت ایران را در هریک از شاخص‌های توسعه انسانی نشان می‌دهد. مرور جدول مربوط به وضعیت ایران نشان از پیشرفت شاخص‌های توسعه انسانی در این کشور دارد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در ایران تا $۱۲/۸$ سال، میانگین سالهای تحصیل تا $۶/۱$ سال، و سالهای مورد انتظار تحصیل تا $۵/۶$ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه نیز تا حدود $۴۳/۵$ درصد طی سالهای ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

جدول ۱: روندهای شاخص توسعه انسانی در ایران

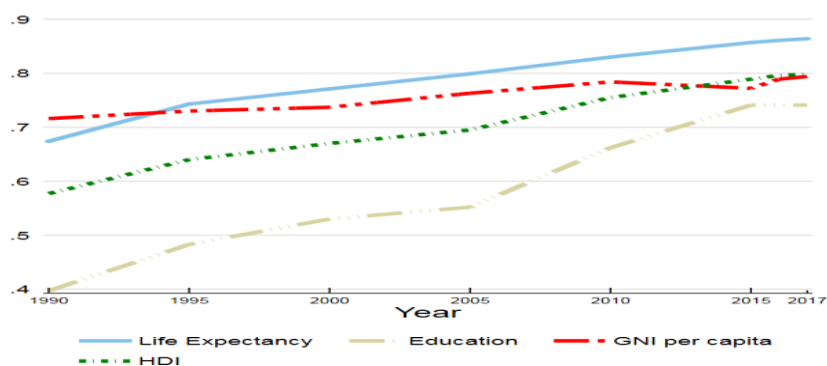
سال	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای مورد انتظار تحصیل	میانگین سالهای تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید ۲۰۱۷)	ارزش شاخص توسعه انسانی
۱۹۹۰	۶۳/۸	۹/۲	۴/۲	۸۶۷۳	$۰/۵۶۵$
۱۹۹۵	۶۷/۴	۱۱/۱	۵/۳	۹۴۱۲	$۰/۶۲۷$
۲۰۰۰	۷۰/۲	۱۱/۶	۶/۲	۱۰۰۷۱	$۰/۶۵۸$

۰/۶۸۳	۱۱۹۸۲	۷	۱۱/۴	۷۱/۹	۲۰۰۵
۰/۷۴۲	۱۳۸۱۳	۹	۱۳/۱	۷۳/۹	۲۰۱۰
۰/۷۷۴	۱۲۷۳۰	۹/۹	۱۴/۷	۷۵/۸	۲۰۱۵
۰/۷۸۴	۱۴۲۴۶	۱۰	۱۴/۹	۷۶	۲۰۱۶
۰/۷۸۸	۱۴۵۶۳	۱۰	۱۴/۹	۷۶/۳	۲۰۱۷
۰/۷۸۵	۱۳۶۱۷	۱۰/۱	۱۴/۸	۷۶/۵	۲۰۱۸
۰/۷۸۳	۱۲۴۴۷	۱۰/۳	۱۴/۸	۷۶/۷	۲۰۱۹

- Human Development Report, 2020: 212.

نمودار ۱ روندهای سهم هریک از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی ایران در ایران را طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۷ را نشان می‌دهد.

نمودار ۱: روندهای مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در ایران ۱۹۹۰-۲۰۱۷

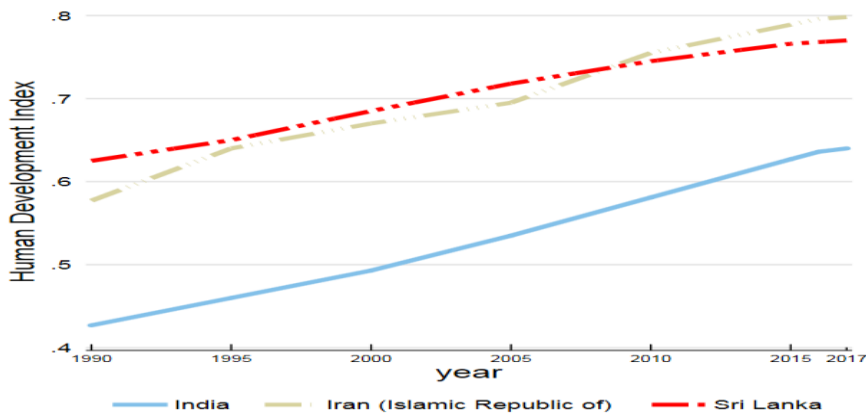


3.Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries)

۴-۴- ارزیابی پیشرفت نسبی در دیگر کشورها

پیشرفت طولانی مدت ایران می‌تواند به طور مفیدی با دیگر کشورها مقایسه شود. برای نمونه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ ایران، سری لانکا و هند میزان متفاوتی از پیشرفت را در شاخص‌های توسعه انسانی‌شان تجربه کردند. (نمودار ۲).

نمودار ۲: روندهای شاخص توسعه انسانی ایران، سری لانکا و هند ۱۹۹۰-۲۰۱۷



4- Human Development Report, 2015(Briefing Note for Countries)

شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳ یعنی بالای میانگین ۰/۷۵۳ برای گروه کشورها با توسعه انسانی بالا، و بالای میانگین ۰/۶۶۱ برای کشورهای آسیای جنوبی است. از آسیای جنوبی کشورهایی که نزدیک به ایران در شاخص توسعه انسانی با توجه به اندازه جمعیت هستند، بنگلادش و پاکستان می‌باشند که رتبه‌بندی شاخص‌ها را با رتبه ۱۳۳ و ۱۵۴ دارا می‌باشند(جدول ۴).

جدول ۲: شاخص‌های توسعه انسانی در ایران در سال ۲۰۱۹ در مقایسه با برخی کشورها و گروه‌های

کشوری منتخب

کشورها	ارزش شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	سال‌های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال‌های تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برای قدرت خرید دلار)
ایران	۰/۷۸۳	۷۰	۷۶/۲	۱۴/۸	۱۰/۳	۱۲۴۴۷
بنگلادش	۰/۶۳۲	۱۳۳	۷۲/۶	۱۱/۶	۶/۲	۴۹۷۶
پاکستان	۰/۵۵۷	۱۵۴	۶۷/۳	۸/۳	۵/۲	۵۰۰۵
آسیای جنوبی	۰/۶۶۱	-	۶۹/۹	۱۱/۷	۶/۵	۶۵۳۲
کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا	۰/۷۵۳	-	۷۵/۳	۱۴	۸/۴	۱۴۲۵۵

- Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 5.

۴-۵- شاخص توسعه انسانی تعدیل شده نابرابری

شاخص توسعه انسانی برآورد میانگین دستاوردهای اساسی توسعه انسانی در یک کشور است. شبیه همه میانگین‌ها، شاخص توسعه انسانی نابرابری در توزیع توسعه انسانی را بین جمعیت در سطح کشور، پوشش می‌دهد. گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰ نابرابری شاخص توسعه انسانی را معرفی می‌کند که نابرابری را در همه سه بُعد شاخص توسعه انسانی با تخفیف ارزش میانگین هر سه بُعد در سطح نابرابری آن، به محاسبه درمی‌آورد. از دست رفتن توسعه انسانی به علت نابرابری، از طریق تفاوت بین شاخص توسعه انسانی و نابرابری شاخص توسعه انسانی در نظر گرفته شده است و می‌تواند بعنوان یک درصد بیان شود. همچنان که نابرابری در یک کشور افزایش می‌یابد، از دست رفتن توسعه انسانی هم افزایش می‌یابد. ما همچنین ضریب نابرابری انسانی را بعنوان یک برآورد مستقیم نابرابری معرفی می‌کنیم که یک میانگین بی‌وزن نابرابری‌ها در سه بُعد توسعه انسانی است.

شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳ است. به هر جهت، وقتی ارزش شاخص توسعه انسانی برای نابرابری کاهش می‌یابد، شاخص توسعه انسانی به ۰/۶۹۳ سقوط می‌کند که ۱۱/۵ درصد مربوط به نابرابری در توزیع شاخص‌های ابعاد سه‌گانه شاخص توسعه انسانی است. بنگلادش و پاکستان به ترتیب افت ۲۴/۴ درصدی و ۳۱/۱ درصدی را به دلیل نابرابری نشان می‌دهند. میانگین کاهش به دلیل نابرابری برای کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا، ۱۷/۹ درصد و برای کشورهای آسیای جنوبی، ۲۵/۹ درصد است. ضریب نابرابر انسانی برای ایران به میزان ۱۱/۳ درصد است.

جدول ۳: شاخص نابرابری توسعه انسانی در ایران در مقایسه با کشورها و گروه کشورهای منتخب

کشورها	ارزش شاخص نابرابری توسعه انسانی	درصد کلی از دست رفته	ضریب نابرابری انسانی	درصد نابرابری در امید به زندگی در بدو تولد	درصد نابرابری در آموزش	درصد نابرابری در درآمد
ایران	۰/۶۹۳	۱۱/۵	۱۱/۳	۹/۲	۵	۱۹/۷
بنگلادش	۰/۴۷۸	۲۴/۴	۲۳/۷	۱۷/۳	۳۷/۳	۱۶/۶
پاکستان	۰/۳۸۴	۳۱/۱	۳۰/۲	۲۹/۹	۴۳/۵	۱۷/۲
آسیای جنوبی	۰/۴۷۵	۲۵/۹	۲۵/۴	۲۰/۲	۳۷/۵	۱۸/۵
کشورهای با توسعه انسانی بالا	۰/۶۱۸	۱۷/۹	۱۷/۶	۱۰/۱	۱۴/۵	۲۸

- Human Development Report, 2020: 216.

۴-۶- شاخص توسعه جنسیت

در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴، معیار جدیدی با عنوان شاخص توسعه جنسیت معرفی می‌شود که مبتنی بر شاخص توسعه انسانی جنسی تجزیه شده است و بعنوان یک نرخ شاخص توسعه انسانی زنان نسبت به مردان تعریف می‌شود. شاخص توسعه جنسیت، نابرابری‌های جنسیتی را در تأمین سه بُعد اساسی توسعه انسانی برآورد می‌کند: بهداشت و سلامت (برآورد شده از طریق امید به زندگی در بدو تولد زنان و مردان)، آموزش (از طریق برآورد سال‌های تحصیل مورد انتظار برای کودکان و میانگین سالهای بالغین ۲۵ ساله و مسن‌تر در بین زنان و مردان)، و نظارت/بر منابع اقتصادی (از طریق برآورد درصد درآمدهای ناخالص سرانه زنان و مردان). گروه‌های کشوری، مبتنی بر انحراف از برابری در شاخص توسعه انسانی هستند. این میانگین‌ها که گروه‌ها کسب می‌کنند، با ملاحظه نابرابری در رابطه با برابری مردان یا زنان است.

شاخص توسعه جنسیت برای ۱۶۷ کشور محاسبه شده است. ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان ایران ۰/۷۰۹ در مقایسه با ۰/۸۱۹ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۰/۸۶۶ می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای بنگلادش و پاکستان به ترتیب ۰/۹۰۴ و ۰/۷۴۵ هستند (جدول ۶).

جدول ۴: ارزش شاخص توسعه جنسیت ایران در مقایسه با دیگر کشورها

کشورها	امید به زندگی در بدو تولد		سال‌های مورد انتظار تحصیل		میانگین سالهای تحصیل		درآمد ناخالص ملی سرانه		ارزش شاخص توسعه انسانی		نرخ زن - مرد
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
ایران	۷۷/۹	۷۵/۶	۱۴/۶	۱۵	۱۰/۳	۱۰/۴	۴۰۸۴	۲۰۶۳۷	۰/۷۰۹	۰/۸۱۹	۰/۸۶۶
بنگلادش	۷۴/۶	۷۰/۹	۱۲	۱۱/۲	۵/۷	۶/۹	۲۸۷۳	۷۰۳۱	۰/۵۹۶	۰/۶۶۰	۰/۹۰۴
پاکستان	۶۸/۳	۶۶/۳	۷/۶	۸/۹	۳/۸	۶/۳	۱۳۹۳	۸۴۱۲	۰/۴۵۶	۰/۶۱۲	۰/۷۴۵
آسیای جنوبی	۷۱/۳	۶۸/۷	۱۱/۹	۱۱/۵	۵/۵	۸/۴	۲۳۹۳	۱۰۴۱۶	۰/۵۷۰	۰/۶۹۲	۰/۸۲۴
کشورها با توسعه انسانی بالا	۷۸	۷۲/۸	۱۴/۱	۱۳/۹	۸/۲	۸/۷	۱۰۵۲۹	۱۷۹۱۲	۰/۸۳۶	۰/۸۶۶	۰/۹۶۱

- Human Development Report, 2020: 220.

۴-۷- شاخص نابرابری جنسیتی

گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰ شاخص نابرابری جنسیتی را معرفی کرد که نابرابری‌های جنسیت-محور را در سه بُعد بهداشت تولید مثل، توانمندسازی و فعالیت اقتصادی بازتاب می‌داد. بهداشت تولید مثل با نرخ‌های مرگ و میر مادران و زاد و ولد نوجوانان سنجیده می‌شود، توانمندسازی با سهم صندلی‌های پارلمان که توسط زنان اشغال می‌شود و دستیابی به آموزش متوسطه و بالاتر در هر جنسیت سنجیده می‌شود، و فعالیت اقتصادی با نرخ مشارکت بازار کار برای زنان و مردان محاسبه می‌شود. اگر نابرابری بین دستاوردهای زنان و مردان در ابعاد سه‌گانه شاخص نابرابری جنسیتی وجود داشته باشد، شاخص نابرابری جنسیتی می‌تواند بعنوان عامل کاهش توسعه انسانی تلقی شود.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی ایران، ۰/۴۵۹ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۱۱۳ می‌باشد. در ایران ۵/۹ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۶۷/۴ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۷۲/۸ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰،۰۰۰ تولد زنده، ۱۶ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۴۰/۶ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۱۷/۵ درصد در مقایسه با ۷۱/۵ درصد مردان است. در مقایسه، بنگلادش و پاکستان در این شاخص به ترتیب در رتبه ۱۳۳ و ۱۳۵ قرار دارند. برای بررسی مقایسه‌ای این شاخص در ایران و برخی کشورهای منتخب به جدول ۷ مراجعه کنید.

جدول ۵: شاخص نابرابری جنسیتی ایران و دیگر کشورها در سال ۲۰۱۹

کشورها	ارزش شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	نرخ مرگ و میر مادران	نرخ تولد نوجوانان	درصد کرسی‌های زنان در پارلمان	درصد جمعیت با حداقل آموزش متوسطه		نرخ مشارکت نیروی کار	
						مردان	زنان	مردان	زنان
ایران	۰/۴۵۹	۱۱۳	۱۶	۴۰/۶	۵/۹	۶۷/۴	۷۲/۸	۱۷/۵	۷۱/۵
بنگلادش	۰/۵۳۷	۱۳۳	۱۷۳	۸۳	۲۰/۶	۳۹/۸	۴۷/۵	۳۶/۳	۸۱/۴
پاکستان	۰/۵۲۸	۱۳۵	۱۴۰	۳۸/۸	۲۰	۲۷/۶	۴۵/۷	۲۱/۹	۸۱/۷
آسیای جنوبی	۰/۵۰۵	-	۱۴۸/۶	۲۶	۱۷/۵	۳۱/۳	۴۸/۴	۲۳/۲	۷۷
کشورها با توسعه انسانی بالا	۰/۳۴۰	-	۶۲/۳	۳۳/۶	۲۴/۵	۶۹/۸	۷۵/۱	۵۴/۲	۷۵/۴

- Human Development Report, 2020: 224.

۴-۸- ارزش و رتبه شاخص توسعه انسانی در عربستان سعودی

ارزش شاخص توسعه انسانی عربستان سعودی برای سال ۲۰۱۹، ۰/۸۵۴ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی خیلی بالا یعنی در رتبه ۴۰ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی عربستان از ۰/۶۹۷ به ۰/۸۵۴ افزایش یافته که افزایشی ۲۲/۵ درصدی داشته است. جدول ۸ پیشرفت عربستان سعودی را در هریک از شاخص‌های توسعه انسانی نشان می‌دهد. مرور جدول مربوط به وضعیت عربستان سعودی نشان از پیشرفت شاخص‌های توسعه انسانی در این کشور دارد. بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در این کشور تا ۶/۱ سال، میانگین سالهای تحصیل تا ۴/۶ سال، و سال‌های مورد انتظار تحصیل تا ۵/۳ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه عربستان سعودی نیز تا حدود ۱۰/۴ درصد طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

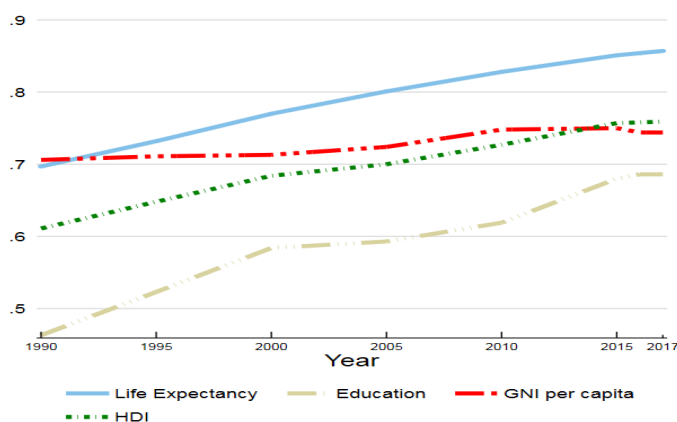
جدول ۶: روندهای شاخص توسعه انسانی در عربستان سعودی

سال	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای مورد انتظار تحصیل	میانگین سالهای تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید ۲۰۱۷)	ارزش شاخص توسعه انسانی
۱۹۹۰	۶۹/۱	۱۰/۸	۵/۷	۴۳۰۰۶	۰/۶۹۷
۱۹۹۵	۷۱/۱	۱۱/۴	۶/۲	۴۳۵۴۲	۰/۷۲۲
۲۰۰۰	۷۲/۶	۱۲	۶/۷	۴۲۱۸۳	۰/۷۴۳
۲۰۰۵	۷۳/۳	۱۲/۷	۷/۶	۴۴۷۳۵	۰/۷۷۰
۲۰۱۰	۷۳/۹	۱۴/۳	۸/۹	۴۴۷۲۳	۰/۸۰۹
۲۰۱۵	۷۴/۷	۱۷/۱	۹/۸	۵۰۱۲۵	۰/۸۵۹
۲۰۱۶	۷۴/۸	۱۷	۹/۹	۴۹۶۸۳	۰/۸۵۹
۲۰۱۷	۷۴/۹	۱۶/۱	۱۰/۱	۴۸۰۴۴	۰/۸۵۲
۲۰۱۸	۷۵	۱۶/۱	۱۰/۲	۴۸۰۹۴	۰/۸۵۴
۲۰۱۹	۷۵/۱	۱۶/۱	۱۰/۲	۴۷۴۹۵	۰/۸۵۴

- Human Development Report, 2020: 212.

نمودار ۳ سهم هریک از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی عربستان سعودی از سال ۱۹۹۰ تاکنون را نشان می‌دهد.

نمودار ۳: روندهای مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در عربستان سعودی ۱۹۹۰-۲۰۱۷



3. Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries)

۴-۹- ارزیابی پیشرفت نسبی در دیگر کشورها

پیشرفت طولانی مدت امارات متحده عربی می‌تواند به طور مفیدی با دیگر کشورها مقایسه شود. برای نمونه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی میزان متفاوتی از پیشرفت را در شاخص‌های توسعه انسانی‌شان تجربه کردند.

شاخص توسعه انسانی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹، ۰/۸۵۴ یعنی زیر میانگین ۰/۸۹۸ برای گروه کشورها با توسعه انسانی بسیار بالا، و بالای میانگین ۰/۷۰۵ برای کشورهای عرب است. از کشورهای عرب، کشورهایی که نزدیک به عربستان سعودی در شاخص توسعه انسانی با توجه به اندازه جمعیت هستند، عراق و سوریه می‌باشند که رتبه‌بندی شاخص‌ها را با رتبه ۱۲۳ و ۱۵۱ دارا می‌باشند(جدول ۹).

جدول ۷: شاخص‌های توسعه انسانی در عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹ در مقایسه با برخی کشورها و

گروه‌های کشوری منتخب

کشورها	ارزش شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	سال‌های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال‌های تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید دلار ۲۰۱۷)
عربستان سعودی	۰/۸۵۴	۴۰	۷۵/۱	۱۶/۱	۱۰/۲	۴۷۴۹۵
عراق	۰/۶۷۴	۱۲۳	۷۰/۶	۱۱/۳	۷/۳	۱۰۸۰۱
سوریه	۰/۵۶۷	۱۵۱	۷۲/۷	۸/۹	۵/۱	۳۶۱۳
کشورهای عرب	۰/۷۰۵	-	۷۲/۱	۱۲/۱	۷/۳	۱۴۸۶۹

کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا	۰/۸۹۸	-	۷۹/۶	۱۶۳	۱۲/۲	۴۴۵۶۶
------------------------------------	-------	---	------	-----	------	-------

3. - Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries):

۴-۱۰- شاخص توسعه جنسیت

در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴، معیار جدیدی با عنوان شاخص توسعه جنسیت معرفی می‌شود که مبتنی بر شاخص توسعه انسانی جنسی تجزیه شده است و بعنوان یک نرخ شاخص توسعه انسانی زنان نسبت به مردان تعریف می‌شود. شاخص توسعه جنسیت، نابرابری‌های جنسیتی را در تأمین سه بُعد اساسی توسعه انسانی برآورد می‌کند: بهداشت و سلامت (برآورد شده از طریق امید به زندگی در بدو تولد زنان و مردان)، آموزش (از طریق برآورد سال‌های تحصیل مورد انتظار برای کودکان و میانگین سال‌های بالغین ۲۵ ساله و مسن‌تر در بین زنان و مردان)، و نظارت بر منابع اقتصادی (از طریق برآورد درصد درآمدهای ناخالص سرانه زنان و مردان). گروه‌های کشوری، مبتنی بر انحراف از برابری در شاخص توسعه انسانی هستند. این میانگین‌ها که گروه‌ها کسب می‌کنند، با ملاحظه نابرابری در رابطه با برابری مردان یا زنان است.

شاخص توسعه جنسیت برای ۱۶۷ کشور محاسبه شده است. ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان عربستان سعودی ۰/۷۹۱ در مقایسه با ۰/۸۸۳ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۰/۸۹۶ می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای عراق و سوریه به ترتیب ۰/۷۷۴ و ۰/۸۲۹ هستند (جدول ۱۰).

جدول ۸ ارزش شاخص توسعه جنسیت در عربستان سعودی در مقایسه با دیگر کشورها (۲۰۱۹)

کشورها	امید به زندگی در بدو تولد		سال‌های مورد انتظار تحصیل		میانگین سالهای تحصیلی		درآمد ناخالص ملی سرانه		ارزش شاخص توسعه جنسیت	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
عربستان سعودی	۷۳/۹	۷۶/۸	۱۶	۱۶/۲	۹/۸	۱۰/۵	۱۶۵۱۲	۷۰۱۸۱	۰/۷۹۱	۰/۸۸۳
عراق	۶۸/۶	۷۲/۷	۱۰/۴	۱۲/۲	۶	۸/۶	۲۴۲۷	۱۸۹۷۵	۰/۵۶۶	۰/۷۳۱
سوریه	۶۷/۹	۷۸/۱	۸/۹	۸/۸	۴/۶	۵/۶	۹۸۹	۶۲۲۵	۰/۴۹۲	۰/۵۹۳

کشورهای عرب	۷۳/۹	۷۰/۴	۱۱/۹	۱۲/۴	۶/۵	۸/۱	۵۰۹۲	۲۳۹۲۳	۰/۶۳۶	۰/۸۵۶	۰/۸۵۶
کشورها با توسعه انسانی بسیار بالا	۸۲/۴	۷۶/۸	۱۶/۶	۱۶	۱۲	۱۲/۲	۲۳۶۶۸	۵۵۷۲۰	۰/۸۸۶	۰/۹۸۱	۰/۹۸۱

- Human Development Report, 2020: 220.

۴-۱۱- شاخص نابرابری جنسیتی

گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰ شاخص نابرابری جنسیتی را معرفی کرد که نابرابری‌های جنسیت-محور را در سه بُعد بهداشت تولید مثل، توانمندسازی و فعالیت اقتصادی بازتاب می‌داد. بهداشت تولید مثل با نرخ‌های مرگ و میر مادران و زاد و ولد نوجوانان سنجیده می‌شود، توانمندسازی با سهم صندلی‌های پارلمان که توسط زنان اشغال می‌شود و دستیابی به آموزش متوسطه و بالاتر در هر جنسیت سنجیده می‌شود، و فعالیت اقتصادی با نرخ مشارکت بازار کار برای زنان و مردان محاسبه می‌شود. اگر نابرابری بین دستاوردهای زنان و مردان در ابعاد سه‌گانه شاخص نابرابری جنسیتی وجود داشته باشد، شاخص نابرابری جنسیتی می‌تواند بعنوان عامل کاهش توسعه انسانی تلقی شود.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی عربستان سعودی، ۰/۲۵۲ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۵۶ می‌باشد. در عربستان سعودی ۱۹/۹ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۶۴/۸ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۷۲/۴ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰,۰۰۰ تولد زنده، ۱۷ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۷/۳ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۲۲/۱ درصد در مقایسه با ۷۸/۴ درصد مردان است. در مقایسه، عراق و سوریه در این شاخص به ترتیب در رتبه ۱۴۶ و ۱۲۲ قرار دارند. برای بررسی مقایسه‌ای این شاخص در عربستان سعودی و برخی کشورهای منتخب به جدول ۱۱ مراجعه کنید.

جدول ۹: شاخص نابرابری جنسیتی در عربستان سعودی و دیگر کشورها در سال ۲۰۱۹

کشورها	ارزش شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	نرخ مرگ و میر مادران	نرخ تولد نوجوانان	درصد کرسی‌های زنان در پارلمان	درصد جمعیت با حداقل آموزش متوسطه		نرخ مشارکت نیروی کار	
						مردان	زنان	مردان	زنان
عربستان سعودی	۰/۲۵۲	۵۶	۱۷	۷/۳	۱۹/۹	۶۴/۸	۷۲/۴	۲۲/۱	۷۸/۴
عراق	۰/۵۷۷	۱۴۶	۷۹	۷۱/۷	۲۵/۲	۳۹/۵	۵۶/۵	۱۱/۶	۷۴/۲
سوریه	۰/۴۸۲	۱۲۲	۳۱	۳۸/۶	۱۳/۲	۳۷/۱	۴۳/۴	۱۴/۴	۷۴/۱
کشورهای عرب	۰/۵۱۸	-	۱۳۵/۴	۴۶/۸	۱۸	۴۹/۳	۵۵/۸	۲۰/۷	۷۳
شاخص توسعه انسانی بسیار بالا	۰/۱۷۳	-	۱۴/۲	۱۷/۲	۲۸/۳	۸۶/۵	۸۸/۶	۵۲/۳	۶۹/۱

- Human Development Report, 2020: 224.

نتیجه‌گیری

در این قسمت با توجه به این که رساله حاضر به پایان رسیده است، ابتدا به جمع‌بندی مطالب و سپس نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت. همچنان که اشاره شد، توسعه اقتصادی فرآیندی چند بُعدی است که در اثر تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد، که هم جنبه‌ی عینی و مادی و هم جنبه‌ی ذهنی زندگی افراد را در بر می‌گیرد و از طریق ترکیب فرآیندهای مختلف اقتصادی و اجتماعی امکان زندگی بهتر را برای افراد جامعه ایجاد می‌کند. کشورهای در حال توسعه عموماً به دنبال رسیدن به اهداف مشترکی از قبیل تأمین امکانات اقتصادی، بالا بردن سطح زندگی، کاهش فقر، کاهش بیکاری و نابرابری، تأمین امکانات بهداشتی، آموزشی و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه و نهایتاً توسعه انسانی بالاتر هستند. مفهوم توسعه انسانی، اولین بار توسط محبوب‌الحق، کیت گریفین، تری مک‌نلی و آمارتیا سن در سال ۱۹۹۰ مطرح شده است. از نظر آمارتیا سن، اجرای سیاست توسعه انسانی دو اثر مستقیم و

غیرمستقیم دارد. اثر مستقیم آن، از طریق افزایش سواد، بهداشت و امید به زندگی بر کیفیت زندگی مردم می‌باشد، حتی اگر به توسعه اقتصادی و گسترش صنعت در کشور منجر نشود. اثر دوم آن، به شکلی غیرمستقیم، توسعه اقتصادی و رشد صنعتی را تسهیل می‌کند، کارایی را بهبود می‌بخشد و تمامی این عوامل به نوبه‌ی خود در ارتقاء کیفیت زندگی مردم مؤثر است. قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰، درآمد سرانه‌ی هر کشور بعنوان شاخص پیشرفت اجتماعی و توسعه سطح زندگی در نظر گرفته می‌شد. هر چند که درآمد سرانه برای دستیابی به سطح بالاتری از تولید ناخالص داخلی و رشد رفاه لازم بود، اما، نمی‌توانست بسیاری از جوانب مهم زندگی را در بر گیرد. بنابراین، برنامه‌ی توسعه سازمان ملل، درآمد سرانه را بعنوان مقیاس ناکافی برای ارزیابی اثرات آن بر کیفیت زندگی افراد عنوان کرد و تأکید نمود که تنها رشد اقتصادی مهم نیست، بلکه کیفیت توزیع و پایداری این رشد هم حائز اهمیت است. باید دید که دولت‌ها منافع حاصل از رشد اقتصادی و درآمد سرانه‌ی بالاتر را صرف بهبود رفاه مردم، و یا آن را صرف هزینه‌های نظامی و تسلیحات جنگی می‌کنند. حتی ممکن است میانگین درآمد و مصرف جامعه ارتقا یابد، اما سهم گروه‌های فقیر افزایش پیدا نکند. بنابراین، شاخصی بعنوان شاخص توسعه‌ی انسانی بعنوان مقیاس اندازه‌گیری توسعه معرفی شد که دامنه‌ی بیشتری از ابعاد اجتماعی و فرهنگی را در کنار بُعد اقتصادی در برمی‌گیرد. این شاخص در سال ۱۹۹۰ بعنوان مقیاس جدیدی از توسعه معرفی شد.

در دیدگاه توسعه‌ی انسانی، ثروتمندترین کشورها آنهایی نیستند که مردم‌شان بهترین (مرفه‌ترین) زندگی را دارند. هیچ رابطه‌ی روشنی بین رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی وجود ندارد. نابرابری‌های شدیدی در برخی کشورهای ثروتمند دیده می‌شود و تعداد افراد محرومی که در این کشورها زندگی می‌کنند، نشانه‌ی همین امر است. برخی از کشورها نیز ثروتمندند اما چیزی به بعضی بخش‌های جامعه ارائه نمی‌دهند، مانند برخی کشورهای تولیدکننده نفت که زنان در آنها از فرصت‌های چندانی برخوردار نیستند. از سوی دیگر، دو کشور فقیر با درآمد سرانه یکسان، ممکن است دو استاندارد زندگی کاملاً مختلف برای اتباع خود فراهم کنند. نسبت به توان بازار برای تنظیم اقتصاد، انتقاد وجود دارد. کارایی بازار موجب برابری، استمرار زیست‌محیطی و امنیت انسانی نمی‌شود. فعالیت انسانی در جایی شکوفا می‌شود که مراقبت‌های انسانی، وجود داشته باشد، در حالی که الگوی فعلی توسعه، کمتر زمانی برای این امور باقی می‌گذارد. نظریه‌ی اقتصادی، نیمی از تمام فعالیت‌های انسانی را نادیده می‌گیرد، چراکه نمی‌توان آنها را با عدد و رقم اندازه گرفت. مفهوم توسعه‌ی انسانی با

تأکید بر هدف زندگی بهتر و نقش فضای اجتماعی قابلیت‌زا در بسط انتخاب‌های انسانی، گسترش می‌یابد. بدین ترتیب زمینه‌ی تحلیل اثرات تحولات اجتماعی بر روند توسعه انسانی در گزارش‌های ملی توسعه انسانی فراهم می‌آید. رویکرد رفاه اقتصادی، مصرف کالاها و خدمات را اساس زندگی بهتر به شمار می‌آورد و از آنجا که درآمد واقعی، میزان مصرف کالاها و خدمات توسط افراد را تعیین می‌کند، آن را به عنوان شاخص رفاه اقتصادی در نظر می‌گیرند. این درحالی است که رویکرد توسعه انسانی مصرف کالاها و خدمات را تنها یکی از عناصر زندگی بهتر می‌داند و برآوردن نیازهای روحی و گسترش ظرفیت‌های ذهنی را عنصر دیگر زندگی بهتر به شمار می‌آورد که از طریق پرورش قوای ذهنی به ویژه با آموزش به دست می‌آید.

با توجه به نظریه‌ی توسعه انسانی، تأکید بر ایجاد ظرفیت‌ها به جای مصرف کالاها و خدمات، شرایط گسترش پایدار انتخاب‌های انسانی را فراهم می‌آورد، چرا که ظرفیت‌سازی امکان بازتولید مداوم کالاها و خدماتی را ایجاد می‌کند که پاسخگوی نیازهای یک زندگی بهتر است. یکی از ایرادهایی که به تفسیر توسعه به عنوان رشد اقتصادی گرفته می‌شود، این است که رشد اقتصادی تنها به بعد اقتصادی می‌پردازد. توسعه، مفهومی متفاوت یا پیچیده‌تر است که لزوماً به کیفیت زندگی انسان نیز مربوط می‌شود. از همین روی در سال‌های اخیر شاخص‌های جدیدتری برای دربرگرفتن جنبه‌های پیچیده توسعه انسانی و رفاه انسان‌ها در نظر گرفته شده است. بنابراین، ارزش ثروت در آن چیزهایی است که با داشتن ثروت می‌توان آن‌ها را انجام داد. عمده تعاریف، اهداف توسعه را در شرح مفهومی توسعه دخالت می‌دهند و از دو عنصر و هدف اساسی یعنی ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش قدرت آزادی و انتخاب انسان‌ها یاد می‌کنند. توسعه از هر منظر و با هر رویکردی، این دو هدف را دنبال می‌کند.

دایره‌ی مفهومی توسعه انسانی فراتر از تأمین نیازهای اساسی است. رویکرد نیازهای اساسی تمرکز اصلی خود را به رفع بیکاری، فقر و حصول رشد اقتصادی معطوف می‌کند. زمانی که برنامه توسعه سازمان ملل متحد اولین گزارش توسعه انسانی را در سال ۱۹۹۰ منتشر کرد، رویکرد نیازهای اساسی با عنوان جدیدی دوباره احیا شد. از این رو، توسعه انسانی مرحله‌ای از تکامل فکری درباره‌ی فقر و نیازهای اساسی است. این رویکرد وسیع‌تر از رویکرد نیازهای اساسی است، چرا که درباره‌ی محرومیت در کشورهای ثروتمند، که علل کاملاً متفاوتی دارد، نیز به بحث می‌پردازد. همچنین این رویکرد مسائلی فراتر از بخش‌های اجتماعی و درآمدی را در بر می‌گیرد؛ مسائلی نظیر محیط‌زیست،

آزادی و مشارکت در دولت، حقوق انسانی، رفع تبعیض جنسی، مسئولیت‌پذیری و امکان اعتراض به عملکرد دولت. این به معنای گسترش دادن امکان انتخاب‌های شهروندان است. نباید فراموش کرد که هدف از توسعه، بهبود وضع عمومی جامعه و نهایتاً بهبود زندگی انسان‌ها است. پس توسعه به فرآیندی گفته می‌شود که در آن، جامعه از وضعی نامطلوب به وضعی مطلوب تحوّل می‌یابد. این فرآیند، تمامی نهادهای جامعه را دربر می‌گیرد و درصدد است که توان و ظرفیت بالقوه جامعه به صورت بالفعل درآید. به عبارت دیگر، در فرآیند توسعه، استعدادهای جامعه از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی بارور و شکوفا می‌شود.

چارچوب توسعه انسانی می‌کوشد تا انسان را در بطن توسعه قرار دهد و گزینه‌ها و انتخاب‌های او را متعدد سازد. در اولین گزارش جهانی توسعه انسانی سال ۱۹۹۰، فرآیند گسترش انتخاب‌های انسانی به عنوان تعریف توسعه ارایه شده است. در رویکرد توسعه انسانی، تنها مصرف کالا و خدمات موجبات رفاه را فراهم نمی‌کند، بلکه گسترش امکانات لازم از قبیل آموزش و بهداشت برای استفاده از قابلیت‌ها و استعدادها و نیز پیشرفت قابلیت‌ها، اجزاء اصلی توسعه به شمار می‌رود. توسعه انسانی اگر چه بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش فکری تأکید می‌ورزد، اما رشد اقتصادی را به عنوان ابزاری در خدمت زندگی بهتر انسان می‌گیرد. بنابراین شکل دادن به قابلیت‌های انسانی از قبیل آزادی‌های سیاسی و مدنی، وضعیت آموزش، بهداشت و قدرت اقتصادی باید به عنوان هدف اصلی جوامع توسعه‌یافته مورد توجه قرار گیرد. بر اساس چنین نگرشی، مردم ثروت اصلی جوامع خواهند بود و هدف توسعه، فراهم کردن شرایط زندگی بهتر همراه با امنیت بیشتر می‌باشد. توجه به چالش‌های پیش‌روی انسان‌ها، مستلزم این است که مردم در کانون توسعه قرار گیرند، از این رو رشد اقتصادی نه به عنوان هدف، بلکه وسیله‌ای برای افزایش فرصت‌های زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد. رهایی از فقر، گرسنگی، بیماری، جنگ، نابرابری، بی‌سوادی، و محرومیت، از جمله راه‌های گسترش قابلیت‌ها و انتخاب‌های انسانی می‌باشند و به این خاطر است که در سنجش توسعه انسانی بر سه معیار آموزش، درآمد و بهداشت تأکید شده است. در این تعریف انسان‌دوستانه از توسعه، انسان‌ها؛ هم هدف توسعه هستند و هم ابزار توسعه و در یک کلام تلاش برای دستیابی به توسعه از طریق انسان‌های توسعه‌یافته با یک گرایش ملایم و انسان‌نگر و تأکید بر قابلیت‌های مردم، شالوده و اساس توسعه انسانی را تشکیل می‌دهد.

همچنان که اشاره شد، ایران از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۹، در وضعیت توسعه انسانی شیب صعودی

داشته و جایگاهش تا رتبه ۷۰ ارتقاء یافته است. ارتقاء وضعیت ایران بیشتر متکی به افزایش امید به زندگی و طول سال های عمر (گسترش بهداشت) و گسترش آموزش عمومی و دانشگاهی بوده است. در این مدت اما وضعیت درآمد سرانه رشد مناسبی نداشته است. یعنی کشور در زمینه خلق ثروت و افزایش درآمد سرانه عملکرد مناسبی نداشته، و افزایش پدید آمده در شاخص درآمد سرانه، بیشتر ناشی از افزایش درآمدهای نفتی بوده است و نه خلق ثروت در فضای کسب و کار و تولید ملی. به همین دلیل، با بالا رفتن قیمت نفت و بهبود فروش آن در بازار جهانی، وضع ایران بهتر شده، و با پایین آمدن قیمت نفت و یا کاهش سهم بازار ایران یا کاهش تولید، وضع ایران تنزل داشته است. وضعیت جهانی ایران در شاخص توسعه انسانی به این شرح می باشد: نمره ایران در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)، زیر ۰/۵۰۵ یعنی در دسته کشورهای با توسعه انسانی پایین بوده است. در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴)، به رده کشورهای با توسعه انسانی متوسط می پیوندد. هر چند که در مرز کشورهای با توسعه انسانی پایین قرار دارد (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۲، ۹۴). ایران در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، نمره ۰/۵۹ را کسب، و جایگاه متوسط را حفظ کرد اما رتبه جهانی آن معلوم نیست. در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) نمره ایران در شاخص های توسعه انسانی نزول کرد و از رده کشورهای متوسط به رده کشورهای با توسعه انسانی پایین سقوط کرد. اما در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹)، ایران به رده کشورهای متوسط برگشت و با نمره ۰/۵۶۷ به رتبه ۱۰۸ دست یافت. از سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴)، تا سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) یعنی ۱۰ سال، ایران ۱۰ پله صعود کرد و به رتبه ۹۴ رسید. ایران، اولین بار در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) با نمره ۰/۷۴۳ و رتبه ۸۷ به جرگه کشورهای با توسعه انسانی بالا پیوست و رتبه آن نسبت به سال ۲۰۰۵، یعنی در عرض ۵ سال، ۷ پله صعود کرد. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، ایران رشد خود را ادامه داد و ۱۲ پله صعود کرد. در سال ۲۰۱۵ جایگاه ایران باز هم بهبود یافت و از رتبه ۷۵ به رتبه ۶۹ ارتقاء پیدا کرد و به نمره ۰/۷۶۶ دست پیدا کرد. در سال ۲۰۱۹ بر اساس گزارش ۲۰۲۰، ایران توانست با کسب نمره امتیاز ۰/۷۸۳، به رتبه ۷۰ ارتقاء یابد که کم کم به مرز کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا (نمره ۰/۸ به بالا) نزدیک می شود.

از جمله مؤلفه های شاخص توسعه انسانی، سطح بهداشت است که با معیار امید به زندگی سنجیده می شود. شاخص امید به زندگی برای ایران ۷۶/۲ سال عنوان شده است که با کشورهای پیشرو در این حوزه، حدود ۱۰ سال فاصله دارد. همچنین، نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال به بالا برای ایران ۸۵ درصد است. درآمد سرانه ملی ایران، معادل ۱۹/۱۳۰ دلار محاسبه شده است. درآمد سرانه نروژ (رتبه نخست

توسعه انسانی)، ۶۸/۰۱۲ دلار است و قطر با درآمد سرانه ۱۱۶/۸۱۶ بالاترین رتبه را در مؤلفه درآمد سرانه داراست. بنابراین بیشترین بهبود در وضعیت شاخص امید به زندگی و پس از آن در وضعیت آموزش رخ داده است. اما بدترین وضعیت در بین مؤلفه‌های توسعه انسانی، متعلق به «درآمد ملی ناخالص سرانه» است. در طول سال‌های پس از انقلاب، به دلیل رویکرد محرومیت‌زدایی و انبوه درآمد‌های نفتی که دولت‌ها صرف بهبود آموزش و بهداشت کرده‌اند، دو شاخص آموزش و بهداشت در کشور ارتقاء مناسبی داشته، اما میزان بهبود درآمد سرانه رضایت‌بخش نبوده است. در سال ۲۰۱۰ امید به زندگی (نسبت به سال ۱۹۸۰) بسیار بالا رفته، و آموزش هم رشد خوبی داشته، اما درآمد ناخالص ملی رشد بسیار اندکی داشته است. به عبارت دیگر، خلق ثروت و به تبع آن رشد درآمد سرانه افراد، مناسب نبوده است. وضعیت نامناسب ایران در درآمد سرانه، نقطه ضعف ایران در توسعه است و می‌تواند بر جایگاه ایران در منطقه اثر منفی جدی بر جای بگذارد. به هر ترتیب، طی سه دهه گذشته وضعیت ایران در شاخص توسعه انسانی پیشرفت داشته است. این پیشرفت بیشتر متکی بر دو جنبه توسعه انسانی یعنی افزایش امید به زندگی و افزایش طول عمر در نتیجه گسترش بهداشت عمومی و گسترش زندگی (کاهش مرگ و میر و افزایش طول عمر در نتیجه گسترش بهداشت عمومی) و گسترش آموزش عمومی و تحصیلات دانشگاهی رتبه ایران را بالا برده است. اما معیار سوم توسعه انسانی یعنی درآمد سرانه (که برابری قدرت خرید را می‌سنجد) در ایران رشد محسوسی نداشته، و در حال کاهش نیز بوده است. اگر شاخص درآمد سرانه همچنان کاهش یابد، بر دو شاخص دیگر نیز اثرات منفی می‌گذارد و جایگاه ایران را در شاخص کل توسعه انسانی تنزل می‌دهد.

بر اساس اطلاعات مندرج در آخرین گزارش توسعه انسانی، نروژ در میان کشورهای جهان، با شاخص توسعه ۰٫۹۵۳ به عنوان توسعه‌یافته‌ترین کشور جهان معرفی شده است و پس از این کشور، سوئیس با شاخص ۰٫۹۴۴، استرالیا با شاخص ۰٫۹۳۹، ایرلند با شاخص ۰٫۹۳۸، و آلمان با شاخص ۰٫۹۳۶ در رده‌های دوم تا پنجم قرار دارند. ضعیف‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی نیز مربوط به کشورهای نیجر، آفریقای مرکزی، سودان جنوبی، چاد و برون‌دی است که همگی در آفریقا قرار دارند. در بین کشورهای منطقه، اسرائیل در رده بیست و دوم، در صدر قرار دارد و پس از آن امارات در رده ۳۴، و عربستان سعودی در رده ۳۹، قرار دارند. کانادا و آمریکا نیز به ترتیب در رده‌های دوازدهم و سیزدهم جای گرفته‌اند. ایران در این رده‌بندی پس از کشورهای کویت، مالزی، باربادوس و قزاقستان به طور مشترک با پالائو در رده شصتم و بالاتر از کشورهای سیشل، کاستاریکا و ترکیه

قرار دارد. شاخص توسعه‌یافتگی ایران ۰,۷۹۸ واحد عنوان شده است. در این رده‌بندی هم چنین کشورهای صربستان در رده شصت و هفتم، گرجستان در رده هفتم، مکزیک در رده هفتاد و چهارم، برزیل در رده هفتاد و نهم، آذربایجان در رده هشتم و اردن در رده نود و پنجم جای گرفته‌اند. کمترین طول عمر مربوط به کشور سیرالئون با ۵۲,۲ سال است و پس از این کشور، آفریقای مرکزی، چاد، نیجریه و ساحل عاج قرار دارند. بیشترین طول عمر نیز متعلق به هنگ کنگ با ۸۴,۱ سال، ژاپن با ۸۳,۹ سال و سوئیس با ۸۳,۵ سال است.

انتقادی که به نظریه توسعه انسانی وارد می‌شود، این است که شاخص توسعه انسانی بر حسب مقدار متوسط اعلام می‌شود و نابرابری بهداشتی، آموزشی و درآمدی و نیز بهره‌مندی همه مردم و اقشار اجتماعی و اقتصادی را از توسعه نشان نمی‌دهد. در کشورهایی مثل سوئد و دانمارک که این شاخص بالاست، نابرابری هم پایین است و این نشان می‌دهد که اکثریت مردم تا حد زیادی به یک اندازه از مواهب بهداشت، آموزش و درآمد بهره‌مند هستند. اما نمره تقریباً خوب ایران در توسعه انسانی، نشان از بهره‌مندی عادلانه همه مردم از امکانات بهداشتی، آموزشی و درآمد نیست.

یکی از ابعاد بررسی شاخص توسعه انسانی بر حسب برابری جنسیتی است. این که مردان و زنان از حیث این شاخص چه تفاوتی دارند، بسیار مهم است. در ایران طول عمر یا امید به زندگی زنان به طور متوسط حدود ۲ تا ۳ سال بیشتر از مردان است و در زمینه آموزش و تحصیلات نیز شرایط آنان مساوی و حتی به نفع زنان است؛ ولی در زمینه درآمد و شغل شکاف زیادی وجود دارد و این وضعیت ناپایدار خواهد بود. علاوه بر شکاف‌های طبقاتی، شکاف منطقه‌ای بین استان‌ها و همچنین بین روستا و شهر نیز در ایران بسیار جدی است که شاخص توسعه انسانی آن را نشان نمی‌دهد. در ایران برخی استان‌ها از شاخص توسعه‌یافتگی بالایی برخوردارند و حتی در رده جوامع با توسعه انسانی بالا (بالای ۰/۸) قرار می‌گیرند و برخی از استان‌ها در رده زیر ۰/۶ (توسعه انسانی پایین) قرار دارند. اگر بر اساس مفاد سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، ایران باید به کشور اول منطقه تبدیل شود، در تمام شاخص‌ها، از جمله شاخص توسعه انسانی هم باید این جایگاه به دست آید یعنی از رتبه ۶۹ کنونی باید حداقل به رتبه ۳۲ (جایگاه فعلی قطر) ارتقاء پیدا کند.

اما در مورد ارزش شاخص توسعه انسانی عربستان سعودی، ملاحظه کردیم که این ارزش برای سال ۲۰۱۹، ۰/۸۵۴ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی خیلی بالا یعنی در رتبه ۴۰ بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی عربستان از

۰/۶۹۷ به ۰/۸۵۴ افزایش یافته که افزایشی ۲۲/۵ درصدی داشته است. بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در این کشور تا ۶۱ سال، میانگین سالهای تحصیل تا ۴/۶ سال، و سالهای مورد انتظار تحصیل تا ۵/۳ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه عربستان سعودی نیز تا حدود ۱۰/۴ درصد طی سالهای ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است. طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی میزان متفاوتی از پیشرفت را در شاخص‌های توسعه انسانی‌شان تجربه کردند. شاخص توسعه انسانی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹، ۰/۸۵۴ یعنی زیر میانگین ۰/۸۹۸ برای گروه کشورها با توسعه انسانی بسیار بالا، و بالای میانگین ۰/۷۰۵ برای کشورهای عرب است. از کشورهای عرب، کشورهایی که نزدیک به عربستان سعودی در شاخص توسعه انسانی با توجه به اندازه جمعیت هستند، عراق و سوریه می‌باشند که رتبه‌بندی شاخص‌ها را با رتبه ۱۲۳ و ۱۵۱ دارا می‌باشند.

ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان عربستان سعودی ۰/۷۹۱ در مقایسه با ۰/۸۳۳ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۰/۸۹۶ می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای عراق و سوریه به ترتیب ۰/۷۷۴ و ۰/۸۲۹ هستند. ارزش شاخص نابرابری جنسیتی عربستان سعودی، ۰/۲۵۲ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۵۶ می‌باشد. در عربستان سعودی ۱۹/۹ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۶۴/۸ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۷۲/۴ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰،۰۰۰ تولد زنده، ۱۷ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۷/۳ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۲۲/۱ درصد در مقایسه با ۷/۸ درصد مردان است. در مقایسه، عراق و سوریه در این شاخص به ترتیب در رتبه ۱۴۶ و ۱۲۲ قرار دارند. همچنان که در بخش‌های مختلف بر اساس آخرین گزارش توسعه انسانی نشان داده شد، وجه تمایز دو کشور ایران (رتبه ۷۰) و امارات متحده عربی (رتبه ۴۰) در سال ۲۰۲۰، در شاخص‌های آموزش، امید به زندگی، درآمد ملی سرانه و میزان جمعیت است که تفاوت رتبه دو کشور تأثیر گذاشته است.

منابع

- آشتی، نصرت‌الله (۱۳۶۶). ساختار حکومت در عربستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- امیری، نعمت‌الله (۱۳۹۰). روش محاسبه‌ی شاخص توسعه‌ انسانی، بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌ی ۱۲.
- اوانز، پیتر (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- برادران شرکاء، حمیدرضا؛ (۱۳۸۱)، چشم‌انداز استراتژیک کشورهای مسلمان (پژوهشنامه ۱۲)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). جامعیت مفهوم توسعه، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، جلد دوم، تهران: سمت.
- جعفری، عباس (۱۳۸۲). گیتاشناسی کشورها، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- خاکپور، براتعلی و علیرضا باوان پوری (۱۳۸۹). بررسی شاخص توسعه‌ انسانی در کشورهای اسلامی، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- خواجه پور، غلامرضا. استراتژی توسعه‌ انسانی، تعاون، (شماره‌ی ۶۷)، (۱۳۷۶).
- رحیمی‌نسب، مهدی (۱۳۹۶). سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان: واقعیت یا ابزاری برای قدرت.
- زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
- ساعی ارسبی، ایرج (۱۳۸۹). پرسمان‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت ایران: یک جستار نظری، تخصصی جامعه‌شناسی.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۴). توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران.
- شریف خطیبی، لیللا. شاخص توسعه‌ انسانی، کار و جامعه، شماره‌ی ۱۰۳، دی ماه ۱۳۸۷.
- شیرزادی رضا (۱۳۹۳). نوسازی، توسعه، جهانی‌شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه‌ها، تهران: آگه.
- صالحی، محمدجواد (۱۳۸۱). اثرات سرمایه‌ انسانی بر رشد اقتصادی ایران، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴۸-۷۸.
- عربی، زهرا و کاظمی، ابوطالب (۱۳۹۳). تأثیر شاخص توسعه‌ انسانی بر تولید ناخالص داخلی ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال پنجم، شماره هفدهم.
- فرطس، محمد حسن و ترکمنی، اسماعیل (۱۳۹۱). توسعه‌ انسانی تعدیل شده و پایداری رشد اقتصادی: مقایسه‌ی تطبیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سال دوم، شماره‌ی هفتم.

قاضیان، حسین (۱۳۷۱). درباره تعریف توسعه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره سوم و چهارم.

گریفین، کیث و نایت، جان (۱۳۷۶). توسعه انسانی: تاکید مجدد، ترجمه علی دینی و معصومه سادات صالحی امین، برنامه و بودجه، شماره ۱۹ و ۲۰.

گریفین، کیث و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۵). تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.

گودوین، ویلیام (۱۳۸۳). عربستان سعودی، ترجمه فاطمه شاداب، تهران: شمشاد.

لفت‌ویچ آدریان (۱۳۸۵). دموکراسی و توسعه، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

لیس، رابرت (۱۳۱۷). سرزمین سلاطین، ترجمه فیروزه خلعت‌بری، تهران: شب‌ویز.

محمّدی آشتیانی، علی (۱۳۸۱). شناخت عربستان، تهران: مشعر.

محمودی، وحید (۱۳۸۷). رابطه‌ی رشد اقتصادی و توسعه انسانی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۵۱-۲۵۲.

منصوری، عبسی (۱۳۷۹). توسعه انسانی زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اقتصادی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پانزدهم، شماره سوم و چهارم، آذر و دی.

هینز، جفری (۱۳۹۳). مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران: آگه.

Evans, Peter B. (1995), *Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation*, Princeton University Press.

Evans Peter & James Rauch (1999), "Bureaucracy and Growth: A Cross-National Analysis of the Effects of Weberian State Structures on Economic Growth", *American Sociological Review*, V.64, N.5, (October 1999).

Gordon White, "Constructing a Democratic Developmental State", in Mark Robinson and Gordon White. (ed.), *The Democratic Developmental State: Politics and Institutional Design* (New York: Oxford University Press Inc, 1998).

UNDP(2020). *Human Development Report 2020: The next frontier: Human development and the Anthropocenes*, New York.

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html>

<http://www.ers.usda.gov/topics/international-markets-trade/countries-regions/japan/basic-information.aspx>

<http://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-worldenergy/2014-in-review.html>

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html>

<http://www.worldometers.info/world-population/>

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html>

<http://www.ers.usda.gov/topics/international-markets-trade/countries-regions/japan/basic-information.aspx>
<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html>
www.trade.gov/topmarket
www.donya-e-eqtesad.com/news/409512/#ixzz3pblYvJDu
www.isrjournals.ir/fa/essay/141-essay-farsi-8.html
<http://khabaronline.ir/detail/268728/>
www.mashreghnews.ir/fa/news/570082
www.iribnews.ir/fa/news/1333149
<http://www.csr.ir/fa/news/247/%D8%B4>
<http://rasekhoon.net/article/show/1062906/B2-2025->
<http://www.mehrnews.com/news/2407913>
<http://www.persian-n-oriental-rugs.com/serapi-rugs.html>
<http://www.mehrnews.com/news/3827840>
<http://www.iribnews.ir/fa/news/1178677D9%8>
<http://www.bartarinha.ir/fa/news/31988/%D8>
<http://www.irna.ir/sb/fa/News/82289216>
<http://www.irna.ir/sb/fa/News/82488748>
<http://www.tabnak.ir/fa/news/264313>